

اجازه کبیر

محمد سامی حائری

الْإِجَازَةُ الْكُبْرَى

أَوْ

الطَّرِيقُ وَالْمَحْتَجَّةُ لِشَمْرَةِ الْمُهَجَّبَةِ

لِسَمَاتِهِ الْمَرْجِعِ الدِّينِيِّ الْأَعْلَى آيَةَ اللَّهِ الْعَظِيمِ

السَّيِّدِ شَهَابِ الدِّينِ الْمَرْعَشِيِّ النَّجْفِيِّ

تَعَمُّدُهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ

إِنْشَاءً لِرَبِّهِ الْعَظِيمِ

مُحَمَّدُ السَّامِيُّ الْحَائِرِيُّ

أَشْرَافُ

السَّيِّدِ مُحَمَّدِ الْمَرْعَشِيِّ

تازه، تجدید چاپ گردد. برای این امر، این جانب چندین جلسه خدمتشان رسیدم و اجازات قبلی را قرائت کردم. ایشان اصلاحات زیادی انجام دادند و ترتیب را کاملاً عوض کردند. این بار، اجازه با اسلوب بهتری با ذکر ۱۶۱ شیخ به چاپ رسید که محل اسم، سفید بود. پس از ثبت نام، مهر و امضا می شد و تاریخ آن ثبت می گردید. اما در حقیقت، چه در اجازاتی که قبلاً با قلم مبارک ایشان بود، و یا آن که کاتب می نوشت، و چه بعد از آن که در دو نوبت اجازات چاپ شد، هیچ گاه کلیه شیوخ ذکر نشد. البته قبلاً چندین اجازه مفصل برای خواص نوشتند و در آنها هم تمام شیوخ ذکر نگردیده بود. چندین بار اظهار تمایل کردند که اجازه ای جامع و شامل تمام شیوخ تنظیم کنند، ولی از طرفی، کثرت مشاغل، تدریس، پاسخ به استفتائات، حل

شمارش اجازاتی که به قلم علامه فقید، آیت الله العظمی مرعشی نجفی صادر گردیده، بسیار مشکل است. قدیمترین اجازتهای را که از ایشان ملاحظه نمودم، در سال ۱۳۵۳ ق است. ممکن است اجازاتی قبل از این تاریخ باشد که این جانب بدان واقف نگردیده ام. حدس می زنم که ایشان در حدود شصت سال، حدود پنج هزار اجازه روایت مشروح و موجز صادر کرده اند، که تاکنون در عالم اسلام شیخی نظیر ایشان سراغ ندارم. البته بودند شیوخی که اجازات عامه می دادند. مثلاً شیخی در مجلس درس، با یک انشا، به تمام شاگردان حاضر اجازه نقل حدیث می داد، ولی این گونه نبود که به تک تک اجازه کتبی داده باشد. زمانی که چشمانشان ضعیف نشده بود، اغلب اجازات را شخصاً مرقوم می داشتند و ندرتاً منشی اجازه را به املائی معظم له می نگاشت. همچنین اجازه را مهر و امضا می کردند. بعداً که مشاغل ایشان زیاد شد و ضعف عمومی بر ایشان چیره شد، دستور دادند دو هزار اجازه، به خط آقای محمود اشرفی، در سی صفحه تهیه شد و به صورت دفترچه ای صحافی گردید. فقط محل اسم مجاز، سفید، و پس از ثبت نام مجاز، مهر و امضا می شد و تاریخ آن ثبت می گردید. در این اجازه، نام صد شیخ، به طور اختصار، ذکر گردیده است. در سال ۱۴۰۵ ق ایشان به این جانب دستور دادند دفترچه اجازه، با تنظیم جدید و ترتیب

العظمیٰ مرعشی (ره) در این باره به خاطر داشتند، تذکر می‌دادند. این جانب، تاریخ تولد و وفات و بعضی از معلومات را از کتب دیگر بدان می‌افزودم و برای ایشان قرائت می‌کردم. ایشان بعضی از نکات را که در خاطر داشتند، در ترجمه می‌آوردند، لذا در لابه‌لای این تراجم، مطالبی است که هیچ‌گاه در کتب دیگر یافت نمی‌شود. این نکته را متذکر شوم که آیت‌الله العظمیٰ مرعشی (ره) از حافظه بسیار قوی برخوردار بود و مطالب علمی و تاریخی و تحقیقی فراوانی را حفظ داشتند و به حق می‌توان گفت که ایشان یک دائرةالمعارف بودند. آنچه را که من در ایشان مشاهده کردم، در دیگری سراغ ندارم. در این فصل از کتاب، اسامی و شرح حال بسیاری از دانشمندان شیعه ذکر شده است که اصلاً در هیچ یک از کتب تراجم شیعه مسطور نیست، و این خود یکی از فواید بسیار مهم این اجازه است.

فصل دوم: شرح حال چهار نفر از بانوانی است که در خلال این مدت به ایشان اجازه دادند. مشهورترین آنها، بانو نصرت بیگم امین، مشهور به بانوی ایرانی، دارای تألیفات عدیده و از اکابر مجتهدین عصر حاضر بود.

فصل سوم: شرح حال ۴۹ نفر از مشایخ عامه که در ترجمه آنها بعضی از طرقتان ذکر گردیده است. تراجم این بزرگان، اغلب در کتابها نیامده، بلکه نتیجه زحمت و کوشش ایشان است، که در خلال مکاتبات و ملاقاتها این مطالب را به دست آورده بودند.

فصل چهارم: شرح حال هفده تن از مشایخ زیدیه است. اغلب این مشایخ در یمن بودند. آن‌طور که ایشان فرمودند، اغلب از طریق مکاتبه اجازه را به دست آورده‌اند. بعضی از این شیوخ، متقابلاً، از ایشان اجازه دریافت می‌کردند، که به اصطلاح اهل فن، «مدبج» می‌گویند. در این چهار فصل، جمعاً ۳۹۰ شیخ ذکر گردیده است. ممکن است در خلال جمع‌آوری اجازات و نام شیوخ، بعضی از شیوخ از قلم افتاده باشد. به هر حال، در قرن حاضر، بلکه در چند قرن اخیر، شیخی که حدود چهارصد شیخ به او اجازه داده باشند، یافت نمی‌شود. مکرر برایم نقل فرمودند: هرگاه شخصیت علمی‌ای را زیارت می‌کردم، سعی می‌کردم از وجودش استفاده کنم و از او اجازه نقل حدیث دریافت نمایم. در ایام زیارات مخصوصه بعضی از علما که برای

و فصل مشکلات مراجعین، و از طرف دیگر، کسالت و ضعف عمومی و استماع اخبار مؤلمه جنگ و... باعث عدم تنظیم و ترتیب چنین اجازه‌ای بود. در سال ۱۴۰۷ق حضرت حجّت‌الاسلام و المسلمین، سید محمود مرعشی - که حقیقتاً از خدمتگزاران صدیق فرهنگ اسلام و تشیع هستند - به این جانب پیشنهاد کردند که روزی یکی دو ساعت بعد از ظهر، قبل از تشریف‌فرمایی حضرت آیت‌الله العظمیٰ مرعشی (ره) خدمتشان برسم و تمام اجازات ایشان را مجدداً قرائت کنم. ایشان هم اجازاتی را که قبلاً نوشته بودند، ملاحظه کردند و مجدداً اجازه‌ای جدید تنظیم کردند. البته قبلاً تصور می‌شد که این کار آسان باشد، چرا که برای تنظیم اجازه، الگویی در دست داشتیم، و آن، اجازه قدیمی الطریق و المحجة لثمره المهجة بود، ولی با شروع به تنظیم و قرائت اجازات، به مشکلاتی از قبیل ترتیب طریق شیوخ و طبقات محدثین و مجازین برخوردارم و متوجه دشواری کار شدم. الحمدلله پس از دو سال، برای مطالعه و تحقیق اجازات و یادداشتها، به ترتیب قابل توجهی دست یافتم، و در این مدت، دوبار از آغاز تا پایان آن را قرائت کردم و در هر نوبت، جرح و تعدیل لازم در آن به عمل آمد، و دو ماه قبل از رحلتشان، دستور پاکت‌نویس و چاپ آن را صادر فرمودند، که متأسفانه، در حین تبییض اجازه، عالم اسلام این وجودگرانبها را از دست داد و برای همیشه آن عالم ربّانی از این خاکدان رخت بریست و به اجداد طاهرینش پیوست.

خلف صالح و برومندشان، جناب حجّت‌الاسلام و المسلمین سید محمود مرعشی، مدیر لایق و توانا و متولی کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمیٰ مرعشی نجفی، به این جانب پیشنهاد چاپ اجازه کبیر را داد. نگارنده کلیه نوشته‌ها را در اختیارشان قرار داد، و پس از چندی، به زیور طبع آراسته گردید.

اجازه کبیر در ده فصل، به شرح زیر، تنظیم گردیده است:

فصل اول: شرح حال ۳۲۰ تن از شیوخ شیعه، به طور اجمال، ذکر شده است که قبلاً در الطریق و المحجة لثمره المهجة به نام معاریف این بزرگان و ذکر مشایخشان اکتفا شده بود. در این اجازه، تقریباً نام همه شیوخ - اعم از کسانی که شفاهاً اجازه داده بودند و یا کتباً - ذکر گردیده است. آنچه را که آیت‌الله

زیارت از نواحی عراق و ایران و هند، به نجف و کربلا مشرف می شدند، سعی می کردم در کنار ضریح، تیمنا و تبرکاً، از آنها اجازه اخذ نمایم، و بعداً اجازه کتبی هم دریافت می کردم.

از صفات بارز آن مرد الهی، احترام فوق العاده به علما و شیوخ مرعی بود.

فصل پنجم: اعتبار احادیث و روایات معصومین (ع)، به وثاقت سلسله روایت بستگی دارد؛ و در صحت و سقم احادیث، درباره شخصیت محدث و راستگویی او بحثهای مفصلی شده، و برای این منظور، کتابهای زیادی در علم رجال، تألیف و تصنیف گردیده است. اکنون صدها کتاب رجال از مؤلفات عامه و خاصه در دست است.

آیت الله العظمی مرعشی (ره) می فرمودند: سابقاً این علم در حوزه های علمی شیعه تدریس می شد، اما متأسفانه اکنون تدریس این علم شریف متروک شده است. از این رو، کراراً از عدم تدریس علم رجال اظهار تأسف می کردند. در این بخش، اغلب طرق مشایخ را تا معصوم، با توجه به کتاب اجازات بحار الانوار و خاتمه مستدرک الوسائل و مواقع النجوم و فهرست الصدریه فی اجازات العلیه ذکر کرده است.

معظم له همیشه می فرمودند: روایت را با سند بخوانید تا یادی از مشایخ و بزرگان گردد و از خاطر فراموش نشوند. در این فصل، نام اغلب مشایخ و علما ذکر گردیده است.

فصل ششم: ترجمه و شرح حال اجمالی ۳۶ تن از علما و مشاهیر قرن چهاردهم است که به ترتیب حروف الفبا تنظیم گردیده است. نام این بزرگان در طریق مشایخ ایشان آمده، ولی ایشان مستقیم از آنها به دریافت اجازه نایل نشده اند، و بعضی از آنها قبل از تولد ایشان وفات یافته اند؛ این تراجم، از سید احمد تهرانی کربلایی (متوفی ۱۳۳۲ق) آغاز، و به شیخ هادی تهرانی (متوفی ۱۳۲۱ق) ختم می گردد.

فصل هفتم: در خلال تحصیل اجازات احادیث و ادعیه های مسند و معنعن از مشایخ خود استماع کردند، که برای تیمن و تبرک، بعضی از آنها را، با ذکر سند، در این بخش به ثبت رسانده که حایز اهمیت است، زیرا بعضی از او را و ادعیه، در بعضی از کتب، بدون ذکر سند نوشته شده است و باعث شک و تردید در نقل آن می شود، ولی هرگاه به صحت سند آن یقین

پیدا شود، با اطمینان کامل می توان آن را نقل کرد. ضمناً فواید ذکر کرده اند که بسیار قابل ارزش است؛ از جمله، استخاره ذات الرقاع و سند آن تا امام صادق (ع) است.

فصل هشتم: شش فایده بسیار مهم از اقوال و کتب قدما درباره اجازة و اقسام آن و روایت و کیفیت آنها و فرق بین آنها و آداب تعلیم و تعلم و... همه این فواید، از مباحث علم رجال و حدیث شناسی است. البته ایشان در نظر داشتند که فواید بیشتری در این قسمت درج گردد و یادداشت های مختلفی را ارائه فرمودند، ولی برای اختصار و عدم اطاله کلام، این فواید انتخاب گردید.

فصل نهم: این فصل، شرح حال مختصری از مجیز آیت الله العظمی مرعشی (ره) به قلم و املاى ایشان است. در این شرح حال، بسیاری از قضایای مهم زندگی و اسفارشان نیز نقل شده است. همچنین اساتید و بخشی از مؤلفاتشان را یادآور گردیده اند. مهمترین مطلبی که در این قسمت می توان یافت، تاریخ تولد ایشان است که در صبح روز پنجشنبه، بیستم صفر ۱۳۱۵ق در نجف اشرف است، زیرا بسیاری از مورخان معاصر، به غلط، تاریخ تولد ایشان را ۱۳۱۸ق دانسته اند.

فصل دهم: قسمتی از وصیتنامه این مرد الهی در این فصل ذکر شده است. از این وصیتنامه بسیاری از حقایق را می توان درک کرد: بی توجهی این شخصیت بزرگ به مادیات، دوری از محارم و شبهات، عشق به خاندان رسالت و امامت و... این وصیتنامه به چاپ رسیده و به چندین زبان ترجمه و منتشر شده است.

اجازة کبیر در حدود ۸۲۰ صفحه، با مقدمه حضرت حجّت الاسلام و المسلمین سید محمود مرعشی در سال ۱۴۱۴ق در قم به چاپ رسیده است.